

## حدیثِ دهلی در ادبیاتِ فارسی

خسرو دهلوی (م: ۷۲۵ هـ)، اولین شاعر بزرگ و معروف فارسی زبان هند، از اهالیانِ دهلی بود. همچنین آخرین شاعر نامدار فارسی زبان در هند یعنی غالب نیز متعلق به همین شهر تاریخی بوده است. از زمان خسرو دهلوی تا عصر غالب دهلوی در شهر دهلی شعرا و نویسندگان فارسی بی‌شماری زندگی کردند که سهم شایسته‌ای در گسترش زبان و ادبیات فارسی داشته‌اند. فی‌الحال منظور من این نیست که سهم شعرا و نویسندگان دهلی در گسترش زبان فارسی را بررسی و ارزیابی کنم بلکه من می‌خواهم عرض کنم که آنچه شعرا و نویسندگان فارسی دربارهٔ دهلی و تاریخ سیاسی، اجتماعی، ادبی، عرفانی و حتی اقتصادی این شهر قدیمی هند به‌حیطهٔ تحریر درآورده‌اند، به‌زبانی دیگر به‌حیطهٔ ضبط نیامده است. اگر کسی می‌خواهد تاریخ کامل دهلی را بنویسد، مجبور است به منابع و مأخذی رجوع کند که به فارسی وجود دارد.

اینجانب چند سال قبل، وقتی که در ترتیب متن *سیرالمنازل*، تاریخ اجمالی دهلی و ترجمهٔ آن به زبان اردو اشتغال داشت، متوجه شد که کتابی یا مأخذی برای تدوین تاریخ مفصل دهلی اگر وجود دارد، آن به فارسی است نه به زبان دیگر.

در اینجا منظور من این است که اطلاعاتی را که شعرا و نویسندگان فارسی در آثار متعدد خویش دربارهٔ دهلی داده‌اند، مجملاً به‌عرض خوانندگان گرامی برسانم.

باید عرض شود که کتابی مفصل یا مجمل دربارهٔ تاریخ معتبر دهلی قبل از *سیرالمنازل* که در قرن نوزدهم میلادی ترتیب داده شد، به فارسی و یا به‌زبانی دیگر نوشته نشده است ولی جنبه‌های گوناگون تاریخ دهلی در منابع مختلف که همهٔ آنها

به فارسی هستند، ثبت گردیده است و اگر می‌خواهیم تاریخ دهلی را ترتیب دهیم باید از این منابع مختلف و متعدّد نقل و اقتباس کنیم تا به مقصود برسیم.

دهلی از دیرباز مرکز سیاسی هند می‌بوده است. وقتی که مسلمانها به هند آمدند و قطب‌الدین ایبک اولین پادشاه دودمان مملوک، زمام حکومت را بدست گرفت، دهلی را به‌عنوان پایتخت سلطنت خود برگزید. بعد از آن، علاوه بر معدودی چند، بیشتر سلاطین و پادشاهان تیموری هند، دهلی را پایتخت خود ساختند و در نتیجه دهلی نه تنها به‌عنوان مرکز سیاسی هند بلکه مرکز علم و فضل و فرهنگ هم درآمد زیرا که دربار سلاطین و پادشاهان در قرون وسطی محور هر نوع عملیات مردم بوده است. نظر به این حقیقت، عصامی در مثنوی فتوح السلاطین اطلاع داده است که:

بسی سیدان صحیح‌النسب	رسیدند در وی ز ملک عرب
بسی کاسبان خراسان زمین	بسی نقشبندان اقلیم چین
بسی عالمان بخارا نژاد	بسی زاهد و عابد از هر بلاد
زهر ملک و هر جنس صنعت‌گران	زهر شهر و هر اصل سیمین بران
حکیمان یونان، طبیبان روم	بسی اهل دانش زهر مرز و بوم
در آن شهر فرخنده جمع آمدند	چو پروانه بر نور شمع آمدند

(ص ۱۱۴)

دهلی شهریست عجیب و غریب. این تنها اسم شهر و یا ناحیه مسکونی مردم نیست بلکه اسم یک فرهنگ و تاریخ است. دهلی مرکز سیاسی هند بوده و لذا حضرت دهلی خوانده شد. علما و فضلاء متعدّدی در این شهر زندگی می‌کردند بنابر این دهلی را بغداد هند و دارالمعارف نام نهادند.

گفته‌اند که «هستناپور، آن طرف دریای گنگ تا دهلی، یک شهر بوده و دریای جمن در میان این شهر جاری بود. بعد از جنگ کورووان و پاندوان دو شهر جدا مقرر شدند. هستناپور به‌همان نام مشهور ماند و دهلی، اندرپت مشهور گردید. بعد از مرور ایام دهلو نام زمیندار (یکی از ملاکین) دیهی در زمین اندرپت آباد کرد و بعداً آن دیه مشهور به‌دهلی شد.

اخیراً در محوطه قلعه کهنه دهلی حفاری بعمل آمد و بعد از مطالعه دقیق و علمی آثاری که از این ناحیه بدست آمد، معلوم شده است که آنها متعلق به هزار سال قبل از مسیح می‌باشد. یعنی در آن زمان، این ناحیه مسکونی بود. همچنین در صحن مسجد قبه‌الاسلام در نزدیکی قطب مینار در ناحیه مهرولی، مناره آهنی نصب است که دارای کتیبه‌ای است. در آن کتیبه اطلاع داده شده که انگ پال در سال ۱۰۵۳ م این شهر دهلوی را بنا کرد. خود خسرو دهلوی هم در یکی از شعرهای خود بجای دهلی، دهلوی نام کرده است. یعنی آنچه در منابع فارسی آمده معتبر و مبنی است بر اطلاعاتی که درباره این شهر موجود بود.

قطب‌الدین ایک قصری در این شهر احداث کرد و سپس به مصداق «هرکه آمد عمارتی نو ساخت» پادشاهان مختلف یا در این شهر قصری ساختند و یا طرح شهری جدید را ریختند. غیاث‌پور، کیلوکهری، تغلق‌آباد، شاهپور، فیروزآباد، خضرآباد، مبارک‌آباد، و شاهجهان‌آباد اسم شهرهایی هستند که در ناحیه دهلی در زمان‌های مختلف احداث شده‌اند.

امیر خسرو دهلوی درباره جنبه‌های تاریخی، اجتماعی، عرفانی و ادبی زندگانی دهلی بیشتر از دیگران در آثار مختلف خود نوشته است. خسرو دهلوی تنها در مثنوی خود موسوم به قران‌السعدین، اطلاعاتی که درباره دهلی فراهم نموده، برای تاریخ نسبتاً مفصل دهلی عصر او کفایت می‌کند. او علاقه خود به دهلی را در این اشعار بیان کرده است:

حضرت دهلی کنف دین و داد      جنت عدنست که آباد باد  
گر شنود قصه این بوستان      مگه شود طائف هندوستان  
قبه اسلام شده در جهان      بسته او قبه هفت آسمان

بر مبنای آثار خسرو و مثنوی فتوح السلاطین عصامی که چند سال بعد از وفات خسرو در زمان محمد بن تغلق سروده شده، می‌توان تاریخ اجتماعی و سیاسی دهلی آن عصر را ترتیب داد. در همان زمان مطهر کره در آثار خود اطلاعات ذی‌قیمتی درباره دهلی داد و شاهدهی معتبر برای اظهارات خسرو و عصامی فراهم کرد.

طبقات ناصری منہاج سراج، تاریخ فیروزشاهی برنی و تاریخ دیگری به همین اسم تألیف شمس سراج عقیف کتابهای دیگری هستند که اطلاعات اساسی و معتبری درباره

دهلی را در بردارند. علاوه بر این ملفوظات مشایخ و عرفا منابع دیگری می‌باشند که دارای اطلاعات جالب توجه ای دربارهٔ دهلی هستند.

غالباً بی‌مناسب نیست اگر عرض کنیم که خود واژه ملفوظ و یا جمع آن ملفوظات به مفهومی که در هند بکار می‌رود، در ایران مورد استفاده نه‌بوده است و در این زمان هم نیست و بجای آن سخنان عارف بکار می‌رفته است. اولین ملفوظ یعنی سخنان عارفی که در هند جمع‌آوری شد، فوائدالنفواد است که در دهلی ترتیب داده شد. فوائدالنفواد مجموعهٔ سخنان خواجه نظام‌الدین اولیاست که جامع آن شاعر معروف فارسی حسن سجزی دهلوی ملقب به سعدی هند است. این جملهٔ معترضه بوده، حالا بر می‌گردیم به همان موضوع خود یعنی ذکر دهلی در آثار فارسی.

قبل از آغاز حکومت تیموریان هندی، بیشتر کتابهای تاریخ هند، تاریخ اجمالی دهلی را هم در بردارند ولی بعد از آنکه شاهجهان در نزدیکی دهلی شهری بنام شاهجهان‌آباد را بنا کرد، مورخین عصر و دربار او تاریخ شاهجهان‌آباد را به تفصیل نوشته‌اند. محمد صادق اصفهانی همدانی یکی از نویسندگان همین عصر در یکی از آثار خود بنام کلمات الصادقین دربارهٔ دهلی می‌نویسد:

”دهلی شهری بس بزرگ و عالی است و بسی از اولیای امت در توصیف آن سخنان فرموده، یکی از هزار و اندکی از بسیار از عظمتش و انموده. در مناجات بعضی از اولیا آمده: الهی به حرمت خاک پای بازاریان دهلی بر ما رحمت کن. پس هر کرا اندک معرفتی و ادنی دانشی بود، به یقین می‌داند که بعد از حرمین شریفین اگر شرفی در مکان و بزرگی در بلدی هست، این بلد شریف از سایر آن بلدان امتیاز تمام دارد و از بلاد دیگر مستثنی است و لهذا عوام می‌گویند که دهلی خُرد مکه است و خواص نیز در بزرگی آن شبه ندارند. یکی از اهل فراست بتقریبی گفته: تمام دهلی حکم مسجد دارد.“

در حدیقه‌الاقالیم مرتضی حسین تاریخ مختصر دهلی از زمان قدیم تا خود عصر نویسنده نگاشته شده است. مرتضی حسین بعد از اشاره به شهرهایی که در حدود دهلی توسط حکمرانان مختلف ساخته شده بودند، اطلاع جالبی فراهم می‌کند که:

”در کوتله فیروز شاه چاهی بود که آب آن چاه شیرین و خوشگوار و بغایت سبک بود. از چهار گهری شب مانده تا وقت عشا تمام مردم شهر شاهجهان آباد از آن چاه آب می کشند و می برند برای بیماران و مریضان بغایت مفید بوده و تندرستان را صحت و اعتدال مزاج بحال می داشتند.“

خود نویسنده در زمان حکومت محمد شاه همراه با مبارزالملک سربلند خان در سن دوازده سالگی از شاهجهان آباد دیدن کرد. درباره شهر شاهجهان آباد آن وقت می نویسد که:

شهر موصوف در کمال رونق و آبادی بوده. خوبی و لطافت عمارات آن شهر و کثرت اژدهام خلایق را چه بیان نماید که هنگام شام در چوک سعدالله خان و چاندنی چوک از هجوم مردم گزاره سوار نبوده مگر پیاده و آن بر مسافت ده و بیست قدم را در آن جمع کشمکش می رفت و برزن و بازار همه گلزار و باغ و بهار بوده و افراط اجناس و امتعه متنوعه از امصار در آن دیار آن مقدار که اگر کسی خواهد آلات و ادوات جشن سلطانی و اسباب امارات وزارت از صامت و ناطق و امتعه و اقمشه و غیره اشیای مطلوبه در یک روز از صبح تا شام چندان که خواهد، خرید نماید.“

سپس مرتضی حسین در همین عهد محمد شاه دهلی را بعد از حمله نادر شاه دید و یافت که:

”در آبادی و رونق مانند سابق نبود. احمد شاه ابدالی و درانی کابل و قندهار در عصر عالمگیر ثانی بر شهر صدمه عظیم رسانیده چه به طمع دینه عمارات آن شهر را از بیخ کنده. راقم حروف همراه با علی قلی خان آن شهر را بغایت ویران یافته چنانچه شهر آب نداشته و خشک افتاده بر در قلعه پادشاهی بجای گل و ریحان گل خن بوده و بجای هجوم مردم گازران در نواح سبز چرا می کردند. اندرون قلعه در عمارت دیوان عام نوکران نجیب الدوله روهیله اسبان بسته بودند و آخور و سرگین جابجا توده گشته بود. هرگاه راقم حروف و علی قلی خان به سواری می رفت در چوک سعدالله خان و چاندنی چوک به خدا که تنی چند به نظر می آمدند.“

مرتضیٰ حسین باز می‌نویسد که رفتن به مقبرهٔ خواجه قطب‌الدین بختیار کاکلی بدون خطر نبود و به قول او "بیست کس متفق شده به زیارت شیخ نظام‌الدین اولیاء خوفناک می‌رفتند".

سجان رای بنداری در خلاصه‌التواریخ دربارهٔ شاهجهان‌آباد و رونق این شهر نوشته است که:

"مردم از روم و زنگ و شام و فرنگ و انگریز و ولندیز و یمن و عربستان و عراق و خراسان و خوارزم و ترکستان و کابل و زابلستان و خطا و ختن و چین ماچین و کاشغر و (قلماستان) تبت و کشمیر و سایر ولایات هندوستان در آن عصر جامع توطن گزیده و آئین و گفتار که اهل زبان هندوستان از همین جاست، آموخته بکار و پیشهٔ خودها اشتغال دارند. ترتیب معموریش بسان فقرات نثر باهم موافق و آئین آبادانیش مانند اشعار نظم با یکدیگر مطابق".

همچنین نویسندهٔ دیگری بنام سندر لال در مجموعهٔ فیض تقریباً همان اطلاعاتی دربارهٔ شاهجهان‌آباد داده که در خلاصه‌التواریخ و حدیقه‌الاقالیم فراهم شده است. به هر صورت او دربارهٔ مساجد و مدارس می‌نویسد:

"در هر کوچه و بازار و هر صحن و زمین مساجد و معابد و خوانق و مدارس که عالمی از آن بهرهٔ دنیا و عقبی و فائدهٔ صورت و معنی حاصل می‌نماید، بسیار تعمیر یافته".

در مرقع دهلی و سپس در سیرالمنازل تاریخ دهلی و شاهجهان‌آباد بیان شده است. در پایان باید عرض کنیم که قبل از سیرالمنازل که تاریخ ویژهٔ دهلی است، کتابی به فارسی نداریم که مختص به تاریخ دهلی باشد. سیرالمنازل چنانکه قبلاً عرض کردیم در اواسط قرن نوزدهم میلادی نوشته شده و در همین قرن کتابهایی دیگر هم به حیطةٔ تحریر آورده شد که تاریخ بعضی از شهرهای دیگر هند می‌باشند. به طور مثال تفریح‌العمارات کتابی است در تاریخ شهر اکبرآباد معروف به آگره و بناهای تاریخی آن شهر که بنابر خواهش رئیس دانشکده‌ای در آگره ترتیب داده شده بود.